

آسیب‌شناسی مدیریت توسعه منطقه‌ای در استان خوزستان

رضا کایدنژاد^۱، دکتر حمید پیشگاه هادیان^۲
دکتر غلامحسین بلندیان^۳، دکتر حجت‌اله درویش‌پور^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۳

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۴/۲۷

چکیده:

خوزستان، علی‌رغم پتانسیل‌های بالایی که برای توسعه دارد، بنا به دلایل مختلفی در توسعه منطقه‌ای دارای مشکلات است. این پژوهش به دنبال آسیب‌شناسی این مسئله با سنجش نظر نخبگان ابزاری و فکری استان است، تا در نهایت بتواند به چشم‌اندازی از آسیب‌های مدیریت توسعه منطقه‌ای در استان خوزستان برسد. در این پژوهش با استفاده از روش پیمایشی به طرح پرسش از ۶۱ نفر از نخبگان ابزاری و فکری استان پرداخته است. سؤال اصلی این پژوهش آن است که مهم‌ترین آسیب‌های مدیریت توسعه منطقه‌ای در استان خوزستان چیست؟ یافته‌ها نشان می‌دهند که ۶ مورد «عدم بکارگیری و استفاده از نیروهای متخصص و کارآمد»، «تقدم و ارجحیت مسائل سیاسی بر سیاست‌های توسعه منطقه‌ای»، «عدم ظرفیت‌سازی در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و تولیدی»، «بی‌توجهی به شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی»، ناهماهنگی بین تقسیمات کشوری و نظام مدیریت منطقه‌ای» و «وابستگی نهادهای منطقه‌ای به منابع دولتی برون‌منطقه‌ای»، اصلی‌ترین آسیب‌های مدیریت توسعه منطقه‌ای در استان خوزستان است. به بیانی دیگر از بین ابعاد مختلف، عوامل انسانی (نیروی متخصص)، عوامل نهادی، عوامل اقتصادی - اجتماعی و عوامل منطقه‌ای، به ترتیب بیشترین میزان تأثیر را بر عدم توسعه منطقه دارا است.

مفاهیم کلیدی: آسیب‌شناسی، خوزستان، مدیریت توسعه منطقه‌ای، نخبگان

^۱ دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
reza.kayednezhad@gmail.com

^۲ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
hamid.pishgah1399@gmail.com

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
gbolandian@gmail.com

^۴ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
dr.darvishpour2018@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

توسعه‌ی منطقه‌ای به معنای افزایش سطح رفاه منطقه است. این رفاه به سرانه‌ی درآمد، میزان دسترسی به خدمات اجتماعی و استقرار نظام‌های حقوق و مدیریتی به حد کافی اشاره می‌کند. توسعه‌ی منطقه‌ای از طریق تدوین سیاست‌های منطقه‌ای امکان‌پذیر می‌باشد. سیاست‌های منطقه‌ای، مجموعه سیاست‌هایی که به منظور ارتقاء سطح مناطق توسعه‌نیافته و با هدف کاهش یا حذف تفاوت‌های بین مناطق تهیه و تنظیم می‌شود و معمولاً ناشی از زیرساخت‌های توسعه‌نیافته، شرایط جغرافیایی نامناسب و رشد بی‌رویه در صنعت می‌باشد (رسولی و دیگران، ۱۴۳: ۱۳۹۲). در واقع توسعه‌ی منطقه‌ای عبارت است از ایجاد تغییر در توزیع فضایی پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی از قبیل جمعیت، درآمد، درآمدهای دولت، تولید انواع کالا و خدمات، تسهیلات حمل و نقل و سایر زیرساخت‌های اجتماعی و حتی قدرت سیاسی (صائبی، ۳۷: ۱۳۹۱). اصولاً توسعه به منزله‌ی تغییر بنیادی در متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در هر جامعه محسوب می‌شود و تحقق آن، مستلزم ایجاد هماهنگی میان ابعاد گوناگون آن است. توسعه، یک جریان چندبعدی است و زیر بخش‌های متعددی چون اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... دارد (تقوایی و صبوری، ۵۳: ۱۳۹۱). بی‌شک توسعه‌ی کمی و صرف و بدون توجه به ابعاد مختلف، آسیب‌ها و چالش‌های فراوانی را برای جوامع به بار خواهد آورد (رحمانی تیرکلایی، ۸۹۵: ۱۳۹۹).

یکی از مسائلی که باید در نظر داشت، موضوع «توسعه‌نیافتگی منطقه‌ای» است که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، مورد توجه است. بسیاری از مسائل توسعه‌نیافتگی منطقه‌ای نتیجه‌ی ناکارآمدی مدیریتی توسعه‌ی منطقه‌ای است. ظهور جامعه‌ی اطلاعاتی، اقتصاد هم‌پیوند جهانی، منطقه‌گرایی و در عین حال خرد شدن کلان مناطق به قلمروهای فضایی و اقتصادی، آگاهی اجتماعی، تجدید ساختار اقتصادی، ظهور گرایش‌های دموکراتیک حکم‌روایی، اجتماع‌محوری و افزایش خواسته‌ها و نیازهای نوین محلی، تجدید نظر در مدیریت توسعه‌ی منطقه‌ای را الزامی کرده است (زیاری و محمدی، ۳: ۱۳۹۵). آن ناکارآمدی و این الزامات، موجب شده است که نظرها به توسعه‌ی منطقه‌ای در کشورها در سال‌های اخیر بیشتر شده و مورد توجه قرار گیرد.

استان خوزستان، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و راهبردی‌ترین استان‌های کشور همواره در برنامه‌های توسعه مورد توجه بوده است. اما به رغم داشتن پتانسیل‌های بالا برای توسعه، به علل گوناگون در مقوله‌ی توسعه‌ی منطقه‌ای، همواره دارای مشکلات بوده است و از عدم

تقارن و هماهنگی میان بخش‌های مختلف در این مسئله رنج می‌برد. دلیل این عدم تقارن در استان خوزستان، این است که نهادهای متولی امر توسعه‌ی منطقه‌ای در مدیریت توسعه‌ی منطقه‌ای و برنامه‌ریزی برای آن دارای یک سند راهبردی نبودند و همچنین موضوع توسعه‌ی منطقه‌ای امری [حداقل تا حدی] مغفول بود. توجه به توسعه، در ابعاد مختلف آن به صورت کلان، در برنامه‌ریزی‌های توسعه، تا حدی راه را بر توسعه‌ی منطقه‌ای در استان خوزستان بسته است و حتی برنامه‌های مختلف آمایش سرزمین و توسعه‌ی منطقه‌ای، که در برخی از نهادهای برنامه‌ریز استانی تهیه شده‌اند، نتوانستند برای این موضوع راهگشا باشند.

منطقه‌ی خوزستان با معضلاتی چون عدم تعادل حاصل از زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی، پایین بودن بازدهی کلی اقتصاد استان، پایین بودن نرخ مشارکت اقتصادی و نرخ اشتغال استان نسبت به میانگین کشور، آلوده شدن منابع آب، خاک و هوا، و در مخاطره قرار گرفتن تالاب‌ها و سایر مناطق حفاظتی، پایین بودن سهم سرمایه‌گذاری ملی در بخش‌های پیشرو اقتصاد استان، بهره‌برداری ناکافی از امکانات بالقوه‌ی توسعه‌ی صنعتی و ارتباطات گسترده‌ی تجاری - خدماتی با بازارهای فرامری در منطقه، و تک‌کریدور بودن محور حمل و نقل جاده‌ای، کامل نبودن اختیارات «مدیریت توسعه‌ی استان» برای ایجاد هماهنگی و پیشبرد امر توسعه‌ی استان و وجود برخی مسائل فرهنگی و اجتماعی در جهت کاهش همبستگی در استان، مواجه است (داداش‌پور و رستمی، ۱۳۹۸: ۱۱۰). این استان به رغم برخورداری از ثروت‌های طبیعی قابل توجه، از دوگانگی منطقه‌ای گسترده به شکل توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته نیز رنج می‌برد. این در حالی است که توسعه‌ی منطقه‌ای باید شرایط و امکانات بهتری را برای همه‌ی مردم یک منطقه فراهم کند و تفاوت کیفیت زندگی بین مناطق را کاهش دهد (نصرالهی و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۶).

ضرورت و اهمیت پژوهش

در طی چند دهه‌ی گذشته، فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در استان خوزستان به‌طور کامل در کنترل دولت و عوامل دولتی بوده است و به نوعی منبع تأمین‌کننده‌ی قدرت دولت مرکزی است. میزان گستردگی و هزینه‌کردی تصمیمات دولت مبنی بر عرضه، همواره وابسته به میزان استخراج از این منطقه بوده و متقابلاً هر چه دولت بزرگ‌تر و متمرکزتر شده، فشار بر این منطقه نیز افزایش یافته است. دستور از بالا به پایین و اجرای محض از پایین به بالا یا حضور گسترده‌ی عوامل نامتناسب با بستر طبیعی، اقتصادی و

اجتماعی منطقه و غریبه با شرایط بومی و عدم همزیستی نخبگان دولتی با مردم محلی و عدم تعامل دانش و تجربه بین افراد بومی و غیر بومی، سبب عدم شکوفایی بسیاری از ظرفیت‌های انسانی در زمینه‌ی مدیریتی، فنی و تخصصی در منطقه شده است (داداش‌پور و رستمی، ۱۳۹۸: ۱۱۶).

به‌طور کلی می‌توان این‌گونه بیان کرد که برنامه‌های ملی با تأکید بر ذخائر طبیعی خاص استان بدون توجه به پیامدهای آن و در مواردی در تضاد قرار گرفتن برنامه‌های استان و برنامه‌های کشور که ناشی از ضعف نگاه مدیریتی کارآمد و یکپارچه است روند رشد و توسعه‌ی استان را مختل نموده‌اند و به نوعی زمینه‌ی نارضایتی قومی را که با توجه به موقعیت استراتژیک استان و وجود برخی تحریکات بیرونی می‌تواند ابعاد سیاسی و امنیتی قابل ملاحظه‌ای را بیاید فراهم آورده‌اند. با توجه به آنچه گذشت برای حل مسائل موجود، بهبود شرایط و حتی تبدیل استان به تأمین‌کننده‌ی بخش وسیعی از درآمد ملی نه تنها با استخراج منابع تجدیدناپذیر بلکه با توسعه‌ی فرصت‌های رشد و سرمایه‌گذاری در سایر زمینه‌ها، نیاز به مدیریت هماهنگ، یکپارچه و توانمند در پیگیری سیاست‌های توسعه‌ی پایدار استانی و ملی به منظور حذف عدم تعادل‌های وسیعی که در حوزه‌های گوناگون درون استانی و میان استانی وجود دارد (رفیعی و دیگران، ۱۳۹۶: ۷۴).

در واقع استان مهم و راهبردی خوزستان به دلیل ویژگی‌های برجسته‌ای نظیر برخورداری از منابع غنی نفت و گاز، آب، کشاورزی و صنایع بزرگ و همچنین برخورداری از موقعیت همجواری با آب‌های آزاد و کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس، تنوع و ساختار متنوع قومی و ... و نقش آن در اقتصاد و امنیت ملی، بایستی مورد توجه بیشتر قرار گیرد. از این‌رو با توجه به اهمیت کلیدی آن در توسعه‌ی کشور و نیز موقعیت خاص منطقه‌ای این استان، بررسی وضعیت آن در مدیریت و ابعاد مختلف توسعه اهمیت بالایی دارد. این مقاله با طرح این پرسش که «مهم‌ترین آسیب‌های مدیریت توسعه منطقه‌ای در استان خوزستان چیست؟» آن را به نظر نخبگان ابزاری و فکری استان رسانده و جمع‌بندی نظرات آن‌ها را به‌عنوان کسانی که نقش مؤثری در مسائل استان دارند آورده است.

پیشینه پژوهش

مرادی و احمدی (۱۳۹۵)، در پژوهش "بررسی سلسله مراتب توسعه‌یافتگی در شهرستان‌های استان خوزستان با تأکید بر نظریه‌ی توسعه‌ی پایدار می‌نویسند: توزیع فضای توسعه در سطح شهرستان‌های استان خوزستان در جهت اهداف و اصول توسعه‌ی

پایدار نمی‌باشد. همه‌ی تحلیل‌ها نشان می‌دهد که توزیع فضایی توسعه در استان بسیار نابرابر بوده و در تضاد کامل با عدالت فضایی مطرح شده از سوی توسعه‌ی پایدار می‌باشد. نابرابری در توزیع فضایی توسعه در سطوح مختلف اتفاق افتاده است. نابرابری بین مرکز (اهواز) و شهرستان‌های پیرامون، نابرابری بین شهرستان‌های کم‌جمعیت و پرجمعیت استان، نابرابری بین شهرستان‌های با نرخ شهرنشینی بالا و پایین، نابرابری بین شهرستان‌های شمالی و جنوبی و شرقی و غربی استان. همچنین الگوی توسعه‌ی فعلی در سطح استان دیدگاه کل‌نگری و برخورد سیستمی توسعه‌ی پایدار را نقض می‌کند. به گونه‌ای که بخشی‌نگری در توزیع فضایی توسعه در حال حاضر بسیار روشن و مشخص است.

حسینی کهنوج و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان تحلیلی بر ساختار فضایی شاخص‌های توسعه با تأکید بر نابرابری منطقه‌ای (نمونه موردی: استان خوزستان)، نشان می‌دهند که تفاوت‌ها و نابرابری‌هایی در سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها وجود دارد، به طوری که شهرستان‌های اهواز، دزفول و ایذه در خوشه‌ی یک (توسعه‌یافته)، و شهرستان‌های هندیجان، اندیکا و هفتکل در خوشه‌ی ۵ (عدم برخورداری) را تشکیل می‌دهند. لذا وجود این تفاوت در سطح استان، لزوم اجرای برنامه‌ها و طرح‌های هدفمند را جهت تعدیل نابرابری‌های منطقه ایجاب می‌کند.

ابیض و آهنگری (۱۳۹۴)، در پژوهش "تعیین درجه‌ی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان در بخش ارتباطات" به تعیین درجه‌ی توسعه‌یافتگی بخش ارتباطات شهرستان‌های استان خوزستان، در دو مقطع سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۳، پرداخته است. نتایج به دست آمده از این پژوهش، بهبود درجه‌ی توسعه‌یافتگی در سال ۱۳۹۳ را نسبت به سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد. لیکن علیرغم این بهبود، ضریب نابرابری از عدد ۰.۱۱۳۹۷۱ در سال ۱۳۹۰ به عدد ۰.۱۴۳۳۰۳ افزایش یافته است. که این موضوع نشان‌دهنده‌ی عدم توزیع صحیح منابع در سطح استان می‌باشد.

نظم‌فر و علی‌بخشی (۱۳۹۳)، در پژوهش "سنجش میزان برخورداری شهرستان‌های استان خوزستان از شاخص‌های توسعه با استفاده از تکنیک ادغام"، نشان می‌دهد که اختلاف چشمگیری میان سطوح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان وجود دارد و شهرستان‌های هفتکل، ایذه، رامشیر، دزفول، آبادان، دشت آزادگان، بندر ماهشهر، شوش، خرمشهر، شادگان، اندیکا، هویزه و گتوند از مدار توسعه‌ی استان، فاصله‌ی زیادی دارند و نابرابری در سطوح توسعه در بین شهرستان‌های استان، به دلیل توزیع ناهمگون

شاخص‌های مختلف در بین آنها می‌باشد و لازم است برای تأمین عدالت فضایی در برنامه‌ریزی‌ها، شهرستان‌های محروم در اولویت قرار گیرند.

امان‌پور و همکاران (۱۳۹۱)، در مقاله "تعیین درجه‌ی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان از نظر شاخص آموزشی با استفاده از روش تاکسونومی عددی" می‌نویسند: در این پژوهش، با استفاده از ۸ متغیر آموزشی به تعیین درجه‌ی توسعه‌یافتگی در سطح شهرستان‌های استان خوزستان در بازه‌ی زمانی ۱۳۸۹ و ۱۳۷۹ به صورت مقایسه‌ای مبادرت گردیده است. نتایج نشان می‌دهد؛ بر اساس متغیرهای مرتبط با شاخص آموزشی در سال ۱۳۷۹، شهرستان‌های امیدیه و اهواز به ترتیب با دارا بودن ضریب توسعه‌یافتگی ۰.۴۸ و ۰.۷۴، به‌عنوان برخوردارترین و محروم‌ترین شهرستان‌های استان و در سال ۱۳۸۹، شهرستان‌های مسجدسلیمان و رامهرمز به ترتیب با دارا بودن ضریب توسعه‌یافتگی ۰.۴ و ۰.۷۳، به‌عنوان توسعه‌یافته‌ترین و محروم‌ترین شهرستان‌های استان خوزستان محسوب گردیده‌اند.

با نگاهی به پژوهش‌های انجام شده در مورد توسعه‌ی استان خوزستان، به این نتیجه می‌رسیم که اکثر این پژوهش‌ها به بررسی سنجش میزان توسعه‌یافتگی مناطق مختلف استان خوزستان پرداخته‌اند و کمتر پژوهشی به بررسی دلایل مدیریتی نابرابری توسعه‌یافتگی مناطق مختلف توجه نشان داده است. بنابراین لزوم انجام پژوهشی در مورد دلایل مدیریتی نابرابری در توسعه و آسیب‌شناسی در باب این موضوع به نظر می‌رسد.

مبانی نظری پژوهش

در دیدگاه‌های تبیین‌کننده فرایند توسعه‌ی منطقه‌ای، موضوع توازن در توسعه و آرایش متعادل فعالیت‌ها در فضا، از اهمیت خاصی برخوردار است. تا قبل از دهه‌ی ۱۹۷۰، نگرش به توسعه‌ی منطقه‌ای در کشورهای در حال توسعه، بر پایه‌ی برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و رشد اقتصادی منطقه استوار بود. از جمله این دیدگاه‌ها، مدل‌های رشد هاورد (۱۹۴۸)، دومار (۱۹۵۷)، روستو (۱۹۵۶)، رودان روزنشتاین (۱۹۴۳)، اسکتیووسکی (۱۹۵۴)، نورکس (۱۹۵۳) و هیرشمن (۱۹۵۸) را می‌توان برشمرد (ضرابی و موسوی، ۱۳۸۸:۴). مطرح‌ترین این دیدگاه‌ها، تئوری اقتصادی، رشد نامتعادلی هیرشمن بود. وی با طرح استراتژی نامتعادل، اولویت دادن و انتخاب بخشی از اقتصاد، به‌عنوان بخش پیشتاز و تمرکز سرمایه آن را عامل اصلی توسعه‌ی منطقه‌ای می‌دانست. به عقیده‌ی وی، بخش

صنعت به دلیل داشتن پیوند زیاد بین فعالیت‌های مختلف، با بخش‌های دیگر باید به‌عنوان بخش پیشتاز مورد توجه قرار گیرد (روزبهان، به نقل از شیخی و شاهپوندی، ۱۳۹۱). نظریه‌ی راهبرد قطب رشد از جمله دیدگاه‌های دیگری برای توسعه‌ی منطقه‌ای بود. در این تئوری بر سرمایه‌گذاری‌های کلان صنعتی در مراکز بزرگ شهری تأکید می‌شود. جان فریدمن این دیدگاه را سبب شکل‌گیری انباشتگی‌های شهری و تمرکز منطقه‌ای و پیامدهای آن را در قالب الگوی مرکز پیرامون مطرح می‌نماید وی رابطه بین مرکز - پیرامون را رابطه‌ای استعماری می‌داند (گیلبرت و گاگلر، ۱۳۷۵: ۶۴). به گونه‌ای که در مرکز، منابع و فعالیت‌های پیش‌برنده‌ی اقتصادی رونق می‌گیرد، در حالی که پیرامون در فرایند توسعه، حاشیه‌ای و توسعه‌نیافته باقی می‌ماند و ظهور خصیصه‌ی قطبش شدید ناشی از رشد نامتعادل درون منطقه‌ای پدیدار می‌شود (عظیمی، به نقل از شیخی و شاهپوندی، ۱۳۹۱).

عدم موفقیت این استراتژی‌ها در ایجاد تعادل درون منطقه‌ای موجب شد این دیدگاه‌ها و نگرش‌ها دستخوش دگرگونی گردند، به طوری که نگرش سیستمی و یکپارچه به توسعه‌ی منطقه‌ای مورد توجه قرار گیرد. ایده‌ی اصلی این موضوع اولین بار با کار جانسون (۱۹۷۰) و فانل (۱۹۷۶) آغاز و مطرح گردید. تا اینکه راندینلی با طرح رهیافتی به نام « عملکردهای شهری در توسعه‌ی روستایی » ایجاد شهرهای کوچک در پیوندی عملکردی با حوزه‌ی روستایی را محور قرار داد. از نظر وی دولت‌ها قادر هستند در رشد شهرهای کوچک تأثیر بگذارند و توزیع متعادل‌تری از جمعیت شهری و فعالیت‌های تولیدی اقتصادی ایجاد نمایند. بنابراین، راندینلی معتقد به پرکردن خلأ سلسله مراتبی سکونتگاه‌ها از بالا به پایین بوده، بر توزیع راهبردی سرمایه‌گذاری‌ها از طرف دولت تأکید دارد. رادل توسعه‌ی شهرهای کوچک و متوسط را روش مناسبی برای توسعه‌ی فضایی و ایجاد رشد اقتصادی و تعادل اجتماعی می‌داند و معتقد است که باید سرمایه‌ها را از شهرهای بسیار بزرگ به سمت شهرهای کوچک و متوسط سوق داد (ضرابی و موسوی، ۱۳۸۸: ۵). پس از سال ۱۹۸۰، برنامه‌ریزی منطقه‌ای بر اساس ایده‌های نولیرال پایه‌ریزی گردیده و نیازهای سیاسی و فرهنگی منجر به رویکردهای جدیدی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای شده است. در نهایت، توجه ویژه‌ای به ارتباط نزدیک بین تئوری و عمل در برنامه‌ریزی منطقه‌ای و فعالیت‌های جغرافی‌دانان صورت گرفته است (صائبی، ۳۸-۳۷: ۱۳۹۱).

به‌طور سنتی نقش مداخله‌ی دولت در توسعه‌ی منطقه‌ای به‌عنوان توزیع مجدد ثروت ملی (یا حتی بین‌المللی) با استفاده از ابزارهای سیاسی نظارتی یا مالی تلقی می‌شود. در

این زمینه، اصولی که باید در نظر داشت یکی تأکید بر فراهم آوردن شرایط یکنواخت برای رقابت و توسعه، با تمرکز بر سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی و دیگری توسعه‌ی مهارت‌های فردی با آموزش، است (Tykkylainen, et. al, 1997: 452). عامل توسعه‌ی منطقه‌ای که در رویکردهای پیشین اهمیت داشتند بیشتر شامل ساختار و اندازه بنگاه‌های اقتصادی، ترکیب‌بخشی اقتصاد منطقه، خدمات بازرگانی، تسهیلات آموزشی، نهادهای پژوهشی، زیرساخت‌های ارتباطی، حمل و نقل، اوقات فراغت و کیفیت زندگی در منطقه بوده است. این عامل‌ها با مفهوم سنتی تأثیرگذاری‌شان بر توسعه‌ی منطقه‌ای، نوعی چشم‌انداز ایستا به توسعه‌ی منطقه‌ای می‌بخشد (غفاری‌فرد، ۱۳۹۸: ۲۵). سیاست منطقه‌ای که طی سال‌های گذشته تدوین شده است، سیاست «پیشرفت مناطق عقب‌مانده» توسط دولت بود. با این حال، این تلاش‌های بلندمدت دولت ملی، اختلافات منطقه‌ای را به میزان قابل توجهی کاهش نداد. سیاست‌های منطقه‌ای از یک گروه مداخلات مبتنی بر یارانه برای بالا بردن اختلافات منطقه‌ای به سیاست‌های منطقه‌ای طراحی شده است که برای بهبود رقابت همه‌ی مناطق ملی و توسعه‌ی ملی متعادل‌تر از نظر منطقه‌ای طراحی شده است (Svetikas, 2017: 36).

ایجاد، توسعه و تقویت نهادها، نظم و ترتیبات اجتماعی، فرهنگی و نهادی منطقه‌ای که از نظریه‌های نهادی و تکاملی اقتصاد شکل می‌گیرد، پایه‌های بنیادین شکل‌گیری نظریه‌های منطقه‌گرایی جدید است. شناخت مسائل اساسی مناطق، ایجاد ترتیبات نهادی و نهادسازی منطقه‌ای، استفاده از ظرفیت‌های منطقه‌ای و مشارکت مناطق در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های منطقه‌ای، تنوع‌بخشی به سیاست‌های منطقه‌ای منطبق بر سلیقه‌ها و نیازهای منطقه از مبانی اساس نظریه‌های منطقه‌گرایی جدید است که از اندیشه‌های اقتصاد نهادگرایی جدید برگرفته می‌شود (متوسلی و وهابی، ۱۳۸۲: ۱۸۰).

پیش‌برنده‌های توسعه‌ی منطقه‌ای را می‌توان این موارد دانست:

۱. تمرکز به عوامل درون‌زا (سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی انسانی و تحقیق و توسعه، انتشار دانش و سرمایه‌ی اجتماعی، رابطه‌ای)؛
۲. توسعه از پایین به بالا به‌عنوان جایگزینی برای توسعه‌ی بالادستی (Svetikas, 2017: 21).

ویژگی‌های کارکردی معاصر مدیریت توسعه عبارت‌اند از:

۱. این کارکرد زیربخشی از علوم اجتماعی و هم‌زمان یک اقدام توسعه است ... و در برگیرنده‌ی درس‌هایی از نظریه‌ی نوسازی، تفکرات لیبرالی، دیدگاه‌های نئوکلاسیک‌ها،

اقتصاددانان نئوکلاسیک، نظریه‌ی انتخاب عمومی، نظریات مردم‌سالاری مدرن و تجارب محلی است.

۲. مدیریت توسعه از نظر دارا بودن مجموعه‌ی نظریه‌های خاص رشته‌ی مستقلی محسوب نمی‌شود و در مورد چارچوب آن اتفاق نظر وجود ندارد ... مدیریت توسعه حول مجموعه‌ای از مشکلات شکل گرفته است و آن را می‌توان ابزارگرایی فرآیند توسعه قلمداد کرد.

۳. مدیریت توسعه بر اداره‌ی امور عمومی به شدت تأکید می‌کند که این امر تا حدی به دلیل نتایج مایوس‌کننده‌ی ناشی از مداخلات رسمی و همچنین، کمبود منابع مالی است. و مسائلی مانند خصوصی‌گرایی، اثربخشی بازار، مشارکت مردم در امور و نقش سازمان‌های غیر دولتی به تدریج به قلمرو و برنامه‌ی کار مدیریت توسعه راه یافته است.

۴. توجه به قدرت و سیاست محور درک این روش سازماندهی است. سازمان‌های درگیر در فعالیت‌های توسعه‌ای نمونه‌های فردگرایانه فنی نیستند که بر اساس دستورالعمل‌های شفاف صادر شده توسط خبرگان نوگرا اداره شوند؛ اداره‌ی امور، مدیریت و سیاست‌گذاری، ماهیت به شدت سیاسی دارند که متضمن برخورد و اختلاف به چانه زدن و ائتلاف میان گروه‌ها و افراد، هم در داخل و هم در خارج از سازمان رسمی است. هر دو فرآیند کلان و خرد فرآیندهای سیاسی از ملاحظات محوری در اقدام و تحلیل مدیریت توسعه به شمار می‌روند. افزون بر آن، همان‌طور که مدیریت توسعه، ابزار توسعه محسوب می‌شود، مدیران آن نیز باید قلباً به اهداف توسعه اعتقاد داشته باشند.

۵. مدیریت توسعه در تعداد زیادی از کشورها و در ارتباط با انسان‌های فراوانی اعمال می‌شود. با در نظر گرفتن شاخص‌های آماری توسعه یا مینا قرار دادن فرهنگ و تاریخ خواهیم دید که این کشورها تفاوت زیادی با هم دارند؛ حتی در درون کشورها، فارغ از میزان جمعیت آنها نیز تفاوت‌های منطقه‌ای زیادی دیده می‌شود (ترنر و هیوم، ۲۶-۲۴: ۱۳۷۹).

از این منظر می‌توان وارد بحث آسیب‌شناسی توسعه‌ی منطقه‌ای در خوزستان، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مسائل مربوط به توسعه در این استان شد. مفهوم آسیب‌شناسی^۱ به معنای شناسایی ناهنجاری‌ها در یک سیستم سالم و آسیب‌زدایی به معنای رفع ناهنجاری به وجود آمده و تضمین سلامت سیستم است (ابراهیمیان، ۱۳۸-۱۳۷: ۱۳۹۱). مراد از آن شناسایی علل و ریشه‌ی عواملی است که در بروز بحران در

^۱ pathology

پدیده‌های مختلف نقش دارند و این عوامل می‌تواند روند بالندگی و کارآمدی پدیده‌ها را مختل سازند (دلوری، ۱۳۹۰: ۲). در واقع منظور از آسیب‌شناسی مدیریت توسعه، عبارت است از مطالعه، کالبدشکافی و شناخت بیماری‌ها، ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌هایی که در فرایند مدیریت توسعه بروز و ظهور پیدا می‌کند و البته، این مفهوم دارای ابعاد گسترده‌ای است که مشتمل بر شناخت و مطالعه‌ی آسیب‌های برنامه‌ریزی، سازماندهی، فرماندهی، هماهنگی و کنترل و همچنین، متغیرهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از یک سو و از سوی دیگر، چگونگی شخصیت نخبگان سیاسی (ابزاری) و توانمندی‌های معرفت‌شناختی آنان در عرصه‌ی توسعه و بصیرت و هوشمندی آنان در شناخت حوزه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرگذار بر فرآیند توسعه و چگونگی تصمیم‌سازی آنان در یک بستر علمی و منطقی با بهره‌گیری هوشمندانه و مدبرانه از توانمندی‌های صاحب‌نظران و محققان است؛ به نحوی که ضریب خطای کمتری در ابعاد مختلف فرآیند مدیریت توسعه پدید آید (ترابی، ۱۲۰: ۱۳۸۴).

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر جهت‌گیری و بر مبنای هدف‌ها، کاربردی و اکتشافی و ماهیت پژوهش نیز کمی است. این پژوهش بر اساس چگونگی به‌دست آوردن داده‌های مورد نیاز و از جهت روش انجام آن، در زمره‌ی تحقیقات توصیفی - تحلیلی است. همچنین روش گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر، روش مطالعات میدانی (پیمایشی)^۱ است. روش تحقیق زمینه‌یابی یا پیمایشی، روشی از جمع‌آوری داده‌هاست که طی آن از گروهی خاص خواسته می‌شود تا به تعدادی سؤالات خاص پاسخ دهند (شفایی و مدنی، ۱۳۹۰: ۲۱). «پیمایش» عبارت است از جمع‌آوری اطلاعات که با طرح و نقشه و به‌عنوان راهنمای عمل توصیف یا پیش‌بینی و یا به منظور تجزیه و تحلیل روابط برخی متغیرها صورت گیرد (اوپنهایم، ۱۳۶۹: ۱۵۰). پژوهش مبتنی بر زمینه‌یابی روشی برای جمع‌آوری داده‌هاست که در آن از یک گروه خاص از افراد، درخواست می‌شود تا به تعدادی پرسش خاص پاسخ دهند. کاری که در این نوع پژوهش صورت می‌پذیرد آن است که پژوهشگر از گروه بزرگی از مردم پرسش‌هایی در زمینه‌ی یک موضوع را می‌پرسد (دلور، ۱۳۸۷: ۶۵).

مراحل شیوه‌ی زمینه‌یابی عبارت است از:

^۱ Survey

۱. تعریف مسئله: در این مرحله پژوهشگر باید اهداف خود را به دقت تعریف کند تا بتواند در تهیه‌ی پرسشنامه هر سؤال‌ی را که پرسیده می‌شود، حداقل به یکی از اهداف مرتبط کند (دلاور، ۱۳۸۷:۶۹). برای این کار معمولاً از جدول هدف محتوا استفاده می‌شود. در این جدول، محقق، اهداف پژوهش خود را در یک ستون و مفاهیمی را که مورد پرسش است، در یک سطر قرار می‌دهد. به ازای هر یک از خانه‌های جدول حاصل باید یک پرسش طراحی کند که هم شامل هدف و هم محتوای مربوط به آن خانه باشد (نقره‌کار و دیگران، ۱۳۸۸:۷۰).

۲. تعریف جامعه: جامعه‌ی آماری شامل تمام اعضای یک مجموعه واقعی یا فرضی از افراد، وقایع یا اشیا است که پژوهشگر می‌خواهد یافته‌های پژوهشی خود را به آن‌ها گسترش دهد (گال و دیگران، ۱۳۸۳:۴۸)؛ و آنچه در پژوهش، مورد مطالعه قرار می‌گیرد عنصر تحلیل یا واحد تحلیل نامیده می‌شود (دلاور، ۱۳۸۷:۷۴). داده‌های تحلیل از تمام افرادی که واحد تحلیل هستند جمع‌آوری شده تا آن عناصر مورد توصیف قرار گیرند، توصیف‌ها جمع‌بندی می‌شوند تا بتوان از آن، استنباطی در مورد جامعه داشت. در اینجا در انتخاب واحد تحلیل باید با دقت صورت گیرد چرا که در صورتی که واحد تحلیل در مورد موضوع پژوهش حساس و دارای اطلاعات کافی باشد، می‌توان امیدوار بود که در برداشت نمونه، میزان بالایی از پاسخ‌ها و کمترین میزان خطا به دست آید (دلاور، ۱۳۸۷: ۷۵-۷۶).

روش جمع‌آوری اطلاعات

در روش زمینه‌یابی، برای جمع‌آوری اطلاعات می‌توان از پرسشنامه با اجرای مستقیم یا به وسیله‌ی پست و یا از مصاحبه‌ی رودر رو یا تلفنی استفاده نمود (دلاور، ۱۳۸۷:۷۸). استفاده از پرسشنامه با اجرای مستقیم با توجه به کوتاهی زمان صرف شده، در بر داشتن هزینه‌ی کم، امکان نمونه‌گیری تصادفی و به دست آوردن میزان بالای پاسخ‌ها از سایر روش‌ها کاربردی‌تر است (نقره‌کار و دیگران، ۱۳۸۸:۷۰).

در روش تحقیق پیمایشی محقق از ابزارهای مختلفی همچون (پرسشنامه و مصاحبه) جهت جمع‌آوری اطلاعات استفاده می‌کند، این روش به لحاظ استفاده از این دو تکنیک در جمع‌آوری اطلاعات، روشی کارا محسوب می‌شود و از اعتبار بالایی برخوردار است (مداح و خیرخواهان، ۱۳۹۰:۱۱۸). پرسشنامه مجموعه‌ای از پرسش‌هاست که به صورت باز یا بسته (دارای مقیاس) طراحی شده‌اند تا وضعیت نگرش افراد نسبت به یک واقعیت از طریق آن

ارزیابی شود تکمیل آن می‌تواند به طریق مراجعه شخصی، پستی و یا تلفنی صورت پذیرد (خاکی، ۱۳۸۷:۱۲۴).

سنجش مسئله‌ی مدیریت توسعه‌ی منطقه‌ای در خوزستان از دیدگاه نخبگان فکری و ابزاری این استان

در این بخش، با طرح پرسش‌نامه‌ای، از ۶۱ نفر از نخبگان اداری و ابزاری و فکری خوزستان و برخی از افراد شاغل در بخش خصوصی، مسئله‌ی مدیریت توسعه‌ی منطقه‌ای مورد سنجش قرار گرفته است. در این پرسش‌نامه سعی شده است که جوانب مختلف مسئله‌ی توسعه‌ی منطقه‌ای در استان خوزستان مورد توجه و سنجش قرار بگیرد تا تصویر مناسبی از این موضوع در ذهن نخبگان این استان به دست بیاید.

یافته‌های آماری

الف) یافته‌های جمعیت‌شناختی

جدول ۱: فراوانی و درصد فراوانی گروه‌های شغلی پاسخگویان

شغل	تعداد	درصد
کارمند دولت	۲۴	۳۹.۳
شاغل در دانشگاه و مراکز آموزش عالی	۷	۱۱.۵
شاغل بخش خصوصی	۳۰	۴۹.۲
کل	۶۱	۱۰۰

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، ۲۴ نفر (۳۹.۳ درصد) کارمند دولت، ۷ نفر (۱۱.۵ درصد) شاغل در دانشگاه و مراکز آموزش عالی و ۳۰ نفر (۴۹.۲ درصد) شاغل بخش خصوصی هستند. در این نمونه‌گیری آماری، سعی شده است که به همه‌ی گروه‌های نخبگان در گروه‌های مختلف دسترسی پیدا کرده تا یک تصویر مناسب و نسبتاً جامع از وضعیت توسعه‌ی استان خوزستان بر اساس دیدگاه‌های این نخبگان پیدا شود. از این‌رو هم به بخش دولتی و هم نظام تولید علم و دانشگاه و هم به بخش خصوصی توجه شده است.

ب) یافته‌های توصیفی

در این بخش به توصیف یافته‌های مربوط به پرسش‌های پژوهش می‌پردازیم. لازم به ذکر است که ۲۰ پرسش پژوهشی مطرح شد که نتایج مربوط به این پرسش‌ها به صورت

جدول ذکر شده است. در جدول زیر گویه‌های مربوط به پرسشنامه آمده است. آمار بدست آمده میزان موافقت افراد را با گویه‌های ذکر شده نشان می‌دهد.

جدول ۲: آمار مربوط به گویه‌های پرسشنامه

ردیف	گویه	زیاد	تا حدی	کم
۱	ضعف و نارسایی‌های ساختاری و نهادی و قلمرویی مناسب	٪۵۴.۱	٪۳۹.۳	٪۶.۶
۲	بی‌توجهی به شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی	٪۷۸.۵	٪۱۸	٪۳.۳
۳	وجود نظام تک‌ساختی و متمرکز اداری	٪۶۰.۷	٪۳۷.۷	٪۱.۶
۴	وجود لابی‌های منطقه‌ای، در سطح قانون‌گذاری	٪۵۴.۱	٪۴۴.۳	٪۱.۶
۵	ضعف همکاری‌های بین نهادی و بخشی	٪۷۲.۱	٪۲۶.۲	٪۱.۶
۶	عدم وجود بسترهای مناسب و پایدار فکری و نبود مراکز پژوهش	٪۷۳.۸	٪۲۶.۲	٪۰
۷	اتخاذ تصمیمات سلیقه‌ای و اقدامات موازی	٪۷۵.۴	٪۲۴.۶	٪۰
۸	تقدم و ارجحیت مسائل سیاسی بر سیاست‌های توسعه‌ی منطقه‌ای	٪۸۶.۹	٪۱۳.۱	٪۰
۹	عدم بکارگیری و استفاده از نیروهای متخصص و کارآمد	٪۹۰.۲	٪۹.۸	٪۰
۱۰	الگوی مدیریت توسعه‌ی منطقه‌ای در کشور	٪۵۴.۱	٪۴۲.۶	٪۳.۳
۱۱	عدم وجود نهادهای پایدار برنامه‌ریزی منطقه‌ای	٪۶۲.۳	٪۳۷.۷	٪۰
۱۲	عدم وجود سطح محلی تصمیم‌گیری و حکمروایی منطقه‌ای	٪۷۵.۴	٪۲۳	٪۱.۶
۱۳	فاصله و عدم مشارکت کافی بین نهادهای بخش دولتی و خصوصی	٪۶۳.۹	٪۳۴.۴	٪۱.۶
۱۴	عدم وجود تشکیلات یک‌پارچه و از هم‌گسیختگی و در عین حال تعدد مراکز تصمیم‌گیری	٪۷۰.۵	٪۲۹.۵	٪۰
۱۵	تداخل وظایف نهادی و بخشی و عدم وجود نهادهای میان‌بخشی	٪۷۳.۸	٪۲۶.۲	٪۰
۱۶	ضعف مالی و قانونی نهادهای محلی در مدیریت اجرایی توسعه‌ی منطقه‌ای	٪۷۲.۱	٪۲۷.۹	٪۰
۱۷	ناهماهنگی بین تقسیمات کشوری و نظام مدیریت منطقه‌ای	٪۷۸.۵	٪۲۱.۳	٪۰
۱۸	وابستگی نهادهای منطقه‌ای به منابع دولتی برون منطقه‌ای	٪۷۷	٪۲۳	٪۰
۱۹	عدم تفویض اختیار به مدیران محلی و تقویت نقش استاندار در قالب تدوین برنامه‌ی جامع و منظم	٪۷۳.۸	٪۲۶.۲	٪۰
۲۰	عدم ظرفیت‌سازی در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و تولیدی	٪۸۵.۲	٪۱۴.۸	٪۰

همان‌گونه که از جدول بالا مشخص است، عدم بکارگیری و استفاده از نیروهای متخصص و کارآمد بیشترین درصد را به خود اختصاص می‌دهد. تقدم و ارجحیت مسائل سیاسی بر سیاست‌های توسعه‌ی منطقه‌ای، عدم ظرفیت‌سازی در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و تولیدی، بی‌توجهی به شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، ناهماهنگی بین تقسیمات کشوری و نظام مدیریت منطقه‌ای و وابستگی نهادهای منطقه‌ای به منابع دولتی برون منطقه‌ای، بیشترین میزان تأثیر در توسعه‌نیافتگی استان خوزستان را به خود اختصاص می‌دهند.

پ) یافته‌های استنباطی

در این بخش به یافته‌های استنباطی پرداخته می‌شود. با توجه به گویه‌های پژوهش، ۴ بعد عوامل نهادی، عوامل اقتصادی - اجتماعی، عوامل منطقه‌ای و عوامل انسانی (نیروی متخصص) از ترکیب گویه‌ها به وجود آمد و میزان تأثیر این عوامل بر عدم توسعه‌ی منطقه بررسی شد. برای مقایسه‌ی میانگین تأثیر این عوامل از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شد که نتایج در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: نتایج مربوط به آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه برای مقایسه‌ی میانگین ابعاد مختلف

سطح معنی‌داری	درجه‌ی آزادی	مقدار F	انحراف معیار	میانگین	
۰.۰۱	۴۹	۲.۱۳	۱.۲۱	۵۴.۲۱	عوامل نهادی
			۰.۶۴	۵۲.۳۶	عوامل اقتصادی - اجتماعی
			۰.۵۷	۵۲.۰۳	عوامل منطقه‌ای
			۲.۴۵	۵۵.۴۵	عوامل انسانی (نیروی متخصص)

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، میانگین و انحراف استاندارد عوامل مؤثر بر توسعه‌ی استان خوزستان به ترتیب برابر با ۵۴.۲۱، ۵۲.۳۶، ۵۲.۰۳ و ۵۵.۴۵ می‌باشد. مقدار F به دست آمده ($F=۲.۱۳$) نشان می‌دهد که اختلاف بین میانگین عوامل مختلف در سطح $p=۰/۰۱$ معنی‌دار می‌باشد. لذا می‌توان گفت نیروی متخصص، بیشترین میزان تأثیر را بر عدم توسعه منطقه داراست. بعد از آن عوامل نهادی، عامل اقتصادی - اجتماعی و عامل منطقه‌ای تأثیرگذار است.

در جدول ۴، نتایج مربوط به آزمون t تک نمونه‌ای برای مقایسه‌ی میانگین نمونه‌ی پژوهش حاضر با میانگین فرضی در نمره‌ی کل عوامل مؤثر توسعه منطقه‌ای استان خوزستان ذکر شده است.

جدول ۴: نتایج مربوط به آزمون t تک‌نمونه‌ای برای مقایسه‌ی میانگین نمونه‌ی پژوهش حاضر با میانگین فرضی

تعداد پرسش	میانگین	انحراف معیار	میانگین فرضی	مقدار t	درجه‌ی آزادی	سطح معنی‌داری
۲۰	۵۳.۸	۰.۷۹	۵۰	۳۷.۵۸	۶۰	۰.۰۰۱

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، میانگین و انحراف استاندارد نظر شرکت‌کنندگان در پژوهش در نمره‌ی کل عوامل مؤثر توسعه‌ی منطقه‌ای استان خوزستان به ترتیب برابر ۵۳.۸ و ۰.۷۹ می‌باشد. مقدار t به دست آمده ($t=۳۷.۵۸$) نشان می‌دهد که اختلاف بین میانگین نمونه‌ی پژوهش حاضر با میانگین فرضی در سطح $p=۰/۰۰۱$ معنی‌دار می‌باشد. لذا می‌توان گفت نظر شرکت‌کنندگان در پژوهش در زمینه عوامل مؤثر توسعه‌ی منطقه‌ای استان خوزستان از مقدار متوسط متفاوت و بالاتر است. برای مقایسه‌ی میانگین نظر شرکت‌کنندگان مرد و زن در پژوهش حاضر از آزمون t مستقل استفاده شد که نتایج در جدول آمده است.

جدول ۵: نتایج مربوط به آزمون t مستقل برای مقایسه‌ی میانگین نظر شرکت‌کنندگان مرد و زن

گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه‌ی آزادی	سطح معنی‌داری
مرد	۳۵	۵۴.۰۷	۰.۷۷	۳/۱۵	۵۹	۰.۰۱
زن	۲۶	۵۳.۴۳	۰.۸۰			

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، میانگین و انحراف استاندارد نظر شرکت‌کنندگان مرد و زن در نمره‌ی کل عوامل مؤثر توسعه‌ی منطقه‌ای استان خوزستان به ترتیب برابر ۵۴.۰۷ و ۰.۷۷) و ۵۳.۴۳ و ۰.۸۰) می‌باشد. مقدار t به دست آمده ($t=۳.۱۵$) نشان می‌دهد که اختلاف بین میانگین نمونه مردان و زنان پژوهش حاضر در سطح $p=۰/۰۱$ معنی‌دار می‌باشد. لذا می‌توان گفت نظر شرکت‌کنندگان مرد در زمینه عوامل مؤثر توسعه‌ی منطقه‌ای استان خوزستان با نظر زنان متفاوت است.

برای مقایسه‌ی میانگین نظر شرکت‌کنندگان با گروه‌های سنی مختلف در پژوهش حاضر از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شد که نتایج در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶: نتایج مربوط به آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه برای مقایسه‌ی میانگین نظر شرکت‌کنندگان گروه‌های سنی سه‌گانه

گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار f	درجات آزادی	سطح معنی‌داری
۲۵ تا ۳۰ سال	۱۶	۵۲.۹۹	۰.۷۱	۲/۸۱	۵۸ و ۲	۰/۰۷۸
۳۱ تا ۴۰ سال	۲۰	۵۴.۰۱	۰.۸۳			
بالتر از ۴۰ سال	۲۵	۵۴.۱۵	۰.۷۸			

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، میانگین و انحراف استاندارد نظر شرکت‌کنندگان گروه‌های سنی مختلف در نمره‌ی کل عوامل مؤثر توسعه‌ی منطقه‌ای استان خوزستان به ترتیب برابر ۵۲.۹۹ (۰.۷۱)، ۵۴.۰۱ (۰.۸۳) و ۵۴.۱۵ (۰.۷۸) می‌باشد. مقدار F به دست آمده ($F=۲.۸۱$) نشان می‌دهد که اختلاف بین میانگین نمونه گروه‌های سنی مختلف در سطح $p=۰/۰۵$ معنی‌دار نمی‌باشد. لذا می‌توان گفت نظر شرکت‌کنندگان گروه‌های سنی سه‌گانه در زمینه‌ی عوامل مؤثر توسعه‌ی منطقه‌ای استان خوزستان تقریباً یکسان است. برای مقایسه‌ی میانگین نظر شرکت‌کنندگان با گروه‌های شغلی مختلف در پژوهش حاضر از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شد که نتایج در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷: نتایج مربوط به آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه برای مقایسه‌ی میانگین نظر شرکت‌کنندگان گروه‌های شغلی سه‌گانه

گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار f	درجه‌ی آزادی	سطح معنی‌داری
کارمند دولت	۲۴	۵۴.۱۵	۰.۷۷	۲/۴۶	۵۸ و ۲	۰.۱۳
شاغل در دانشگاه و مراکز آموزش عالی	۷	۵۲.۸۱	۰.۶۹			
شاغل بخش خصوصی	۳۰	۵۳.۷۵	۰.۷۴			

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، میانگین و انحراف استاندارد نظر شرکت‌کنندگان گروه‌های شغلی مختلف در نمره‌ی کل عوامل مؤثر توسعه‌ی منطقه‌ای استان خوزستان به ترتیب برابر ۵۴.۱۵، ۵۲.۸۱ و ۵۳.۷۵ می‌باشد. مقدار F به دست آمده ($F=۰$) نشان می‌دهد

که اختلاف بین میانگین نمونه گروه‌های شغلی مختلف در سطح $p=0.13$ معنی‌دار نمی‌باشد. لذا می‌توان گفت متوسط نظر شرکت‌کنندگان گروه‌های شغلی سه‌گانه در زمینه‌ی عوامل مؤثر توسعه‌ی منطقه‌ای استان خوزستان تقریباً یکسان است. برای رتبه‌بندی عوامل ۲۰ گانه‌ی ذکر شده از آزمون فریدمن استفاده شد که نتایج در جدول ۸ آمده است.

جدول ۸: نتایج مربوط به آزمون فریدمن رتبه‌بندی عوامل ۲۰ گانه

رتبه	پرسش	رتبه	پرسش
۱۰.۷	۱۱	۹.۲۳	۱
۹.۸۲	۱۲	۱۱.۰۵	۲
۱۲.۳۰	۱۳	۹.۶۸	۳
۸.۸۲	۱۴	۸.۶۵	۴
۹.۲۸	۱۵	۱۱.۶۵	۵
۹.۸۸	۱۶	۱۰.۷	۶
۱۰.۴۸	۱۷	۱۱.۹۰	۷
۱۰.۳۳	۱۸	۱۱.۹۳	۸
۹.۸۵	۱۹	۱۲.۹۳	۹
۱۱.۶۰	۲۰	۹.۲۵	۱۰
سطح معنی داری	درجه آزادی	خی دو	تعداد نمونه
۰/۴۰	۱۹	۱۸۳.۵۲	۲۰

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مقدار خی دو آزمون فریدمن به دست آمده $(\chi^2=183.52)$ نشان می‌دهد که رتبه‌بندی عوامل ۲۰ گانه ذکر شده در سطح $p=0.05$ معنی‌دار می‌باشد. لذا می‌توان گفت اهمیت عوامل ۲۰ گانه‌ی مؤثر توسعه‌ی منطقه‌ای استان خوزستان، یکسان نیست و رتبه‌بندی انجام شده برای اهمیت عوامل مذکور قابل توجه است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، پرسش‌هایی در زمینه‌ی «آسیب‌شناسی مدیریت توسعه‌ی منطقه‌ای در استان خوزستان» از ۶۱ نخبه‌ی فکری و ابزاری با استفاده از پرسش‌نامه با طیف لیکرت پرسیده شد. در این میان، می‌توان گفت در اکثریت موارد، نخبگان با آسیب‌های مدیریتی

ذکر شده موافق بودند، ولیکن در ۶ مورد این «توافق» بیشتر بوده و می‌توان آن‌ها را اصلی‌ترین «آسیب‌های» شناخته شده در زمینه‌ی «توسعه‌ی مدیریت منطقه‌ای» در استان خوزستان، از دید این نخبگان دانست. این ۶ مورد عبارتند از: «عدم بکارگیری و استفاده از نیروهای متخصص و کارآمد»، «تقدم و ارجحیت مسائل سیاسی بر سیاست‌های توسعه‌ی منطقه‌ای»، «عدم ظرفیت‌سازی در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و تولیدی»، «بی‌توجهی به شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی»، «ناهماهنگی بین تقسیمات کشوری و نظام مدیریت منطقه‌ای» و «وابستگی نهادهای منطقه‌ای به منابع دولتی برون‌منطقه‌ای»، اصلی‌ترین آسیب‌های مدیریت توسعه‌ی منطقه‌ای در استان خوزستان است. در واقع از بین ابعاد مختلف، عوامل انسانی (نیروی متخصص)، عوامل نهادی، عوامل اقتصادی - اجتماعی و عوامل منطقه‌ای، به ترتیب بیشترین میزان تأثیر را بر عدم توسعه‌ی منطقه داراست.

هر چند استان خوزستان یکی از استان‌های برخوردار کشور در زمینه‌ی ثروت‌های طبیعی محسوب شده و بخش قابل ملاحظه‌ای از نیازهای کشور از طریق این استان پاسخ گرفته می‌شود، اما متأسفانه این منابع ثروت و درآمدهای قابل ملاحظه آن، به واسطه‌ی نبود برنامه‌ای جامع برای توسعه‌ی استان، ضعف بدنه‌ی مدیریتی و جنگ ۸ ساله با عراق، نه تنها در راستای توانمندسازی، فقرزدایی و ایجاد اشتغال برای ساکنین بومی به کار گرفته نشده بلکه خود به مانعی در مسیر توسعه‌ی پایدار و همه‌جانبه‌ی استان تبدیل شده است. تمرکز صرف بر استخراج ذخائر نفتی و گازی و نادیده گرفتن و یا ناچیز انگاشتن سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از سایر فرصت‌های موجود نه تنها مسائل اقتصادی عدیده‌ای از قبیل نرخ بالای بیکاری و مهاجرت را رقم زده بلکه فرصت باروری سایر حوزه‌ها و استفاده از پتانسیل‌های موجود را گرفته است؛ از آن جمله می‌توان به آسیب‌های محیط زیستی جبران‌ناپذیر، بی‌توجهی به کسب دانش و تکنولوژی در زمینه‌ی انرژی‌های تجدیدپذیر، وجود عدم تعادل‌های چشمگیر در مناطق جغرافیایی از نظر شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی اشاره کرد (رفیعی و دیگران، ۱۳۹۶: ۷۴).

همان‌طور که می‌دانیم کارآمدی مدیران و تصمیم‌گیرندگان در مدیریت توسعه نقش اساسی دارد. عمده‌ی ناکارآمدی‌ها ناشی از کاستی‌های آموزشی و تربیتی، نبود تخصص‌های لازم در کنار تعهد و وجدان است و در برخی موارد مشاهده می‌شود مدیران بر مبنای شاخص‌های علمی و شایستگی منصوب نمی‌شوند و عواملی نظیر روابط فامیلی و جناحی و سیاسی بر سایر عوامل غلبه دارند. همچنین نبود متخصصان اقتصادی و سیاسی و علوم اجتماعی خبره و کارآموده‌ای که مباحث توسعه را کارشناسی علمی و برنامه‌ریزی کنند، از

موارد دیگر ناکارآمدی مدیریت توسعه می‌باشد. چندشغله بودن اغلب مدیران نیز از آسیب‌های جدی در فرآیند مدیریت توسعه به شمار می‌رود. یکی دیگر از کاستی‌های اساسی که از آسیب‌های مدیریت توسعه به شمار می‌رود، در راهبرد و برنامه‌ریزی توسعه است که متناسب با شرایط و ویژگی‌های بومی مناطق طراحی نشده و اجرای برنامه‌ها هماهنگی لازم را برای اجرا نداشته‌اند. نظارت و کنترل را نیز می‌توان یکی از عوامل مؤثر بر اثربخشی و کارآمدی فرآیند مدیریت توسعه دانست. تقدم و ارجحیت مسائل سیاسی بر سیاست‌های توسعه‌ی منطقه‌ای یکی دیگر از مشکلات در عدم توسعه‌ی منطقه‌ی خوزستان از نظر خبرگان به شمار می‌رود. در واقع اگر مسئولی به دلیل تخلف بازخواست شد، به دلیل ارجحیت سیاسی، اصل مسئله به بوته‌ی فراموشی سپرده می‌شود و در نتیجه، در مقام عمل آنان کمتر بازخواست، بازرسی و تنبیه جدی می‌شوند. در مورد بی‌توجهی به شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌توان گفت که نبود توزیع عادلانه‌ی خدمات و امکانات و فقدان برنامه‌ریزی دقیق برای توسعه‌ی مناطق، نابرابری منطقه‌ای و نبود توسعه‌ی یکپارچه را به وجود می‌آورند. بایستی با شناخت نابرابری‌های منطقه‌ای و رتبه‌بندی آن‌ها مدیریت بهتری بر مناطق داشت و با راهکارهایی همچون ایجاد مناطق برنامه‌ریزی در سطح استان، اعمال سیاست‌ها و برنامه‌های از پایین به بالا و تمرکزگرایی کمتر، به کاهش نابرابری در این استان کمک کرد. همچنین برای اینکه ظرفیت‌های لازم برای برنامه‌ی توسعه‌ی خوزستان فراهم شود، باید مطالبه‌گری استان در سطح ملی با جدیت و منسجم مورد پیگیری قرار بگیرد.

فهرست منابع:

- ابیض، فروزان و آهنگری، عبدالمجید (۱۳۹۴). تعیین درجه‌ی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان در بخش ارتباطات، دومین کنفرانس بین‌المللی و آنلاین اقتصاد سبز، بابلسر، <https://civilica.com/doc/385325>
- اکبرزاده، امین؛ پهلوانی، مصیب و میرجلیلی، سید حسین (۱۳۹۷). مدیریت توسعه و رشد اقتصادی در ایران؛ تحلیلی بر تنگناهای رشد با رویکرد داده بنیاد، <https://civilica.com/doc/861688>
- امان‌پور، سعید؛ اسماعیلی، اعظم و جوکار، سجاد (۱۳۹۱). "تعیین درجه‌ی توسعه-یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان از نظر شاخص آموزشی با استفاده از روش تاکسونومی عددی"، نشریه‌ی آمایش محیط، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۱۷.
- اوپنهایم، آبراهام نفتلی (۱۳۶۹)، طرح پرسشنامه و سنجش نگرش‌ها، ترجمه‌ی مرضیه کریم‌نیا، مشهد، انتشارات آستان قدس.
- ترابی، یوسف (۱۳۸۴). "آسیب‌شناسی مدیریت توسعه در ایران"، نشریه‌ی دانش سیاسی، ۱(۲).
- ترنر، مارک و هیوم، دیوید (۱۳۷۹). حکومت اداری، مدیریت و توسعه، ترجمه‌ی عباس منوریان. تهران: مراکز آموزش مدیریت دولتی.
- تقوایی، مسعود و صبوری، محمد (۱۳۹۱). "تحلیل تطبیقی سطح و میزان توسعه‌یافتگی اجتماعی شهرستان‌های استان هرمزگان"، جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ۲۳(۲).
- حسینی کهنوج؛ سید رضا، حسینی شه‌پریان، نبی‌الله و نعمتی، مرتضی (۱۳۹۴). "تحلیلی بر ساختار فضایی شاخص‌های توسعه با تأکید بر نابرابری منطقه‌ای (نمونه‌ی موردی: استان خوزستان)"، فصلنامه‌ی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۷(۳).
- خاکی، غلامرضا (۱۳۷۸). روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه‌نویسی. تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مرکز تحقیقات علمی کشور: کانون فرهنگی انتشاراتی درایت.
- دلاور، علی (۱۳۸۷). روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران، نشر ویرایش.
- دلاوری، رضا (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی آموزش‌های سازمانی در بخش دولتی بر اساس مدل سه شاخکی نخستین همایش آسیب‌شناسی آموزش سازمانی.

- رحمانی تیرکلایی، حسین (۱۳۹۹). "چارچوب اصول اخلاقی در آسیب‌شناسی مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه‌ی پایدار مقاصد گردشگری ایران: مطالعه‌ی موردی: استان گیلان"، فصلنامه‌ی جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، سال دهم، شماره ۳.
- رسولی، رضا؛ بایبوردی، اسماعیل و دلیر، مالک (۱۳۹۲). "سیاست‌های توسعه‌ی منطقه‌ای ترکیه در فرایند انطباق با اتحادیه‌ی اروپا"، فصلنامه‌ی مطالعات روابط بین‌الملل، ۶(۲۱).
- زیاری، کرامت‌اله و محمدی، علیرضا (۱۳۹۴). "تحلیلی از ویژگی‌های مدیریت توسعه‌ی منطقه‌ای در ایران طی دوره‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی"، مجلس و راهبرد، سلب بیست و سوم، شماره ۸۴، زمستان.
- شیخی، حجت و شاهبوندی، احمد (۱۳۹۱). تحلیلی بر توسعه‌ی منطقه‌ای و سطح-بندی نظام شهری در منطقه‌ی زاگرس، برنامه‌ریزی فضایی، ۲(۲).
- صائبی، محمدحسین (۱۳۹۱). "بررسی تطبیقی توسعه‌ی منطقه‌ای (مورد مطالعه: منطقه‌ی خراسان رضوی)"، پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، سال سوم، شماره ۱، پیاپی ۵، بهار و تابستان.
- ضرابی، اصغر و موسوی، میرنجف (۱۳۸۸). "بررسی کارکرد شهرهای کوچک در نظام شهری و توسعه‌ی منطقه‌ای، (مطالعه موردی: استان یزد)"، مجله‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، اصفهان، شماره ۲.
- غفاری‌فرد، محمد (۱۳۹۸). "بررسی روند سیاست‌گذاری توسعه و توازن منطقه‌ای طی برنامه‌های توسعه در ایران و ارائه‌ی راهبردهای اساسی"، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۹، شماره ۳۰، بهار.
- مرادی، یعقوب و احمدی، رضا (۱۳۹۵). "بررسی سلسله مراتب توسعه‌یافتگی در شهرستان‌های استان خوزستان با تأکید بر نظریه‌ی توسعه‌ی پایدار"، مطالعات مدیریت شهری، ۸(۲۷).
- معظمی، منصور (۱۳۹۶). نگاهی به ابعاد، الگوها و مدل‌های توسعه‌ی منطقه‌ای، در سایت نشریه‌ی دانش نفت، آدرس <http://www.daneshenafi.ir>، تاریخ مطلب ۱۳۹۶/۱۰/۳۹، تاریخ بازدید ۱۳۹۹/۴/۲۹.
- نظم‌فر، حسین و علی‌بخشی، آمنه (۱۳۹۵). "نابرابری فضایی درجه‌ی توسعه‌ی شهرستان‌های استان خوزستان با تأکید بر توسعه‌ی پایدار"، مجله‌ی آمایش جغرافیایی فضا، ۶(۲۲).

و ثوقی لنگ، شهروز؛ سرور، رحیم و زیویار، پروانه (۱۳۹۸). "بررسی و تحلیل نقش دولت در دگرگونی نظام توسعه‌ی منطقه‌ای ایران پس از دهه‌ی ۶۰ هـ ش (با بهره‌گیری از تکنیک *TOPSIS* جهت رتبه‌بندی استان‌ها)", فصلنامه‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۲۹(۲).

Cooke, P. & et. al. (2000). The governance of innovation in Europe. London: Pinter.

Keune, M. (2001). Regions, Regional Institutions and Regional Development, International Labour Office Geneva.

Matsumoto, M. (2008). "Redistribution and regional development under tax competition", Journal of Urban Economics, 64.

Radova, Z. (2017). Regional development and regional policy, Geografski fakultet Univerziteta u Beogradu.

Svetikas, K. Ž. (2017). Strategic Planning For Regional Development: An Introductory Textbook, Vilnius, Mykolas Romeris University.

Tykkyläinen, M. & et. al (1997). "Theories of regional development and their relevance to the forest sector", Silva Fennica 31(4).

Pathology of Regional Development Management in Khuzestan Province

Reza Kayednejad¹, Hamid Pishgah Hadian (Ph.D)²
Gholamhoseyn Bolandian (Ph.D)³, Hojjatollah Dravishpour (Ph.D)⁴

DOI: 10.22055/QJSD.2022.38004.2475

Abstract:

Khuzestan, despite its high potential for development, has problems in regional development for various reasons. This study seeks the pathology of this issue by assessing the opinion of the instrumental and intellectual elites of the province. To finally be able to reach the perspective of the pathology of regional development management in Khuzestan province. In this research, using a survey method, 20 questions were asked from 61 instrumental and intellectual elites of the province. The main question of this research is what are the most important harms of regional development management in Khuzestan province? Findings show that 6 cases of "non-employment and use of specialized and efficient forces", "priority of political issues over regional development policies", "lack of capacity building in various social, economic and productive areas", "disregard for conditions "Economic, political, social", "inconsistency between national divisions and regional management system" and "dependence of regional institutions on extra-regional government resources" are the main harms of regional development management in Khuzestan province. In other words, among different dimensions, human factors (expert force), institutional factors, socio-economic factors and regional factors have the greatest impact on the lack of development of the region.

Key Concepts: *Regional Development, Khuzestan, Regional Development Management*

¹ PhD student, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, reza.kayednezhad@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author), hamid.pishgah1399@gmail.com

³ Assistant Professor, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, gbolandian@gmail.com

⁴ Assistant Professor, Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, dr.darvishpour2018@yahoo.com

